

«روائع البيان في تفسير آيات الاحكام»

اثر صابونی، در یک نگاه

□ محسن نورانی^۱

□ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چکیده

«روائع البيان في تفسير آيات الاحكام من القرآن» نگاشته محمدعلی صابونی (۱۳۴۷ ق. - زنده تا ۱۴۲۴ ق.)، از جمله آثار قابل توجه اهل سنت در عرصه فقه پژوهی قرآنی است. آيات الاحكام نویسی اهل سنت با آثاری مانند آيات الاحكام ساینس و صابونی وارد مرحله تازه‌ای شد.

این اثر از جهاتی با آثار مدون پیش از خود متفاوت است. مراجعه به انبوه آثار سلف، توانایی در گزارش نیکوی اقوال گوناگون و عدم جانبداری از مذهب فقهی خاص و نیز توجه به چند گذرا به برخی مسائل اجتماعی معاصر از ویژگی‌های برجسته این اثر است.

نوشتار حاضر با مرور روش صابونی در «روائع البيان» و بیان برخی آرای او می‌کوشد تا امتیازها و کاستیهای آن را روشن سازد.

واژگان کلیدی: تفسیر، آيات الاحكام عامه، محمدعلی صابونی، روائع البيان.

القرآن، مختصر تفسیر ابن کثیر، روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام، مختصر تفسیر الطبری، التبیان فی علوم القرآن، موقف الشریعة الغراء من نکاح المتعه، شبهات و اباطیل حول تعدد زوجات الرسول ﷺ، فقه العبادات فی ضوء الکتاب و السنه، الموارث فی الشریعة الاسلامیة علی ضوء الکتاب و السنه.^۱

۲. درنگی کوتاه در ساختار کتاب

عنوان «روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام من القرآن» نامی است که صابونی بر تفسیر فقهی اش نهاده است. نگارش کتاب به سال ۱۳۹۱ ق. پایان یافت و پس از آن در دو جلد وزیری و ۱۲۳۲ صفحه منتشر شد. وی کتاب را با مقدمه کوتاه آغاز می کند و در آن از ولایی جایگاه قرآن و ارزش خدمت گزارى بدان سخن می راند. او شیوه منتخبش در تدوین کتاب را چنین گزارش می نماید:

در بخشی از عمرم که در شهر «مکه» سپری شد توانستم برخی کتب را به رشته تحریر درآورم که جدیدترین آنها کتابی است که در آن آیات ویژه احکام را گرد آورده و اکنون پیش روی شماست. در این اثر استواری نگاشته های پیشین و سهولت تألیفات امروزی را یک جا گرد آوردم. شیوه ای که در پیش گرفتم بر تبویب دقیق مطالب و پژوهش عمیق و ژرف تأکید دارد (۱۴۲۱: ۱۲/۱).

بخشهای مختلف کتاب با عنوان «محاضره» از یکدیگر جدا گشته است. جلد نخست که ۴۰ محاضره را در بر دارد با تقریظ «عبدالله خیاط» خطیب مسجد الحرام همراه است. جلد دوم نیز به بررسی برخی احکام در قالب ۳۰ محاضره می پردازد. این جلد با قدردانی صابونی از «پدرش» و «دکتر صالح احمد رضا» فرجام پذیرفته است. این دو در تصحیح کتاب، صابونی را یاری نمودند. در پایان هر جلد نیز فهرست نه چندان دقیق مطالب به چشم می خورد. چاپ دوم کتاب که بر اساس آن نوشتار حاضر نگاشته شده، د/چار برخی کاستیهای مطبعی است. این چاپ از «دار احیاء التراث العربی» است. »

۱. برای کسب آگاهی از صابونی و نگاشته هایش، ر.ک: ایازی، ۱۴۱۴: ۴۷۰-۴۷۵؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱۳۵۶/۲؛ صالح، ۱۴۲۴: ۳۸۲-۳۶۱.

۱. زندگی نامه صابونی

محمدعلی بن جمیل صابونی، از قرآن پژوهان معاصر در سال ۱۳۴۷ ق. در کشور «سوریه»، شهر «حلب» به دنیا آمد. از زیست نامه و شرح حال او چیز زیادی نمی دانیم.^۱ اطلاعات اندکی که پس از کوشش زیاد به دست آمده بیانگر آن است که پدر او از عالمان شهر «حلب» بوده است. صابونی دوره آموزش متوسطه را در کشورش به پایان رسانده، آنگاه برای ادامه تحصیل به کشور «مصر» رفت و در سال ۱۳۷۱ ق. در دانشگاه «الازهر» با درجه لیسانس فارغ التحصیل شد و در سال ۱۳۷۳ ق. نیز در رشته «حقوق اسلامی» موفق به دریافت مدرک فوق لیسانس گردید.

او پس از این به شهر «مکه مکرمه» کوچید و در آن دیار معنوی رحل اقامت افکند و برای همیشه در آنجا ماندگار شد. پس از اقامت در این شهر بود که وی به اوج شکوفایی و شهرت خود رسید؛ زیرا او در سالیان زیادی که آنجا به سربرد با فکری آسوده، تمام فرصت خود را به پژوهش و نگارش پرداخت. وی همچنین در «دانشکده الهیات و پژوهشهای اسلامی» شهر مکه تدریس می کرد. صابونی از این برهه زندگی اش به خوبی و شیرینی یاد نموده و نگاشته است:

خداوند بزرگ مرتبه همجواری با بلد امین مکه مکرمه که خداوند هر بدی و شر را از آن دور بدارد. را برایم فراهم آورد. در این دیار فضا و جوی برایم مهیاست که در پرداختن به مطالعه و پژوهش و نگارش بسیار کمک می نماید. در واقع خداوند بر من منت نهاد و مرا به همجواری با این سرزمین پاکیزه سرفراز نمود. سرزمینی که دیار امنیت، آرامش و ایمان است (۱۴۲۱: ۱۱/۱).

صابونی با استفاده از فضای آرامی که در اختیار داشت به پی جویی برنامه های پژوهشی خود که بیشتر پیرامون قرآن و دانشهای وابسته به آن بود، پرداخت. نگارش ۲۰ اثر علمی که برخی از آنها او را به شهرتی فراگیر رسانده است:

صفوة التفاسیر، من کنوز السنه، رساله الصلاه، النبوة و الانبياء، قیس من نور

۱. برای آگاهی از زیست نامه آقای صابونی به نگاشته های مختلف صابونی، گزارشات دیگران که به تألیفات و جایگاه علمی او پرداخته اند و نیز به پایگاههای اینترنتی مراجعه شد، اما اطلاعات بیشتر از آنچه گزارش شده، به دست نیامد.

صابونی آیات الاحکام را بر اساس ترتیب سوره‌ها در قرآن انتخاب کرده و ۲۱ سوره را در دامنه تحقیقش جای داده است. این شیوه، پراکندگی آیات یک موضوع را به دنبال دارد. مانند آیه‌های مربوط به قصاص و احکام حج که گسسته از هم بررسی شده است.^۱

شایسته یادآوری است، صابونی آیه‌های مربوط به عقود، معاملات، امر به معروف و نهی از منکر را یاد نموده است.

او پس از آوردن آیات، آنها را از زوایای گوناگون کاویده و با رعایت دقت و نظم، نتیجه بررسیهایش را در ۱۰ عنوان گزارش می‌نماید که چنین است:

۱. واژه‌شناسی آیه به همراه نمونه‌های ادبی و سخن ادیبان و مفسران؛

۲. بیان معنای اجمالی آیه؛

۳. گزارش سبب نزول؛

۴. برنمایاندن پیوند موجود میان آیه‌های پیشین و پسین؛

۵. پی‌جویی قرائت‌های متواتر؛

۶. بررسی کوتاه وجوه اعراب آیه؛

۷. لطایف تفسیر که بیانگر اسرار و نکته‌های بلاغی و دقتهای علمی در آیه است؛

۸. بررسی احکام شرعی که در آن رأی فقیهان با ذکر دلیلشان و قول برتر یاد

شده است؛

۹. چکیده مضمون آیه‌ها؛

۱۰. تبیین حکمت تشریح آیه‌ها.

عنوان برخی از محاضرات این جلد، چنین است: موقف الشریعة من السحر؛

کتمان العلم الشرعی؛ جریمة القتل و جزاؤها؛ حکم الأنفال فی الإسلام؛ الفرار من

الزحف؛ نجوى الرسول؛ التزاوج بین المسلمین و المشرکین؛ احکام زواج النبى؛

حجاب المرأة المسلمة؛ فی أعقاب حادثة الإفك.

۱. به عنوان نمونه می‌توان به آیه‌ها و احکام مربوط به حج اشاره نمود که به صورت جداگانه در جلد

نخست و در صفحه‌های ۱۳۲، ۲۳۵، ۴۰۵ و ۶۰۹ آمده و نیز آیات بیانگر حکم قتل که در جلد دوم

صفحه‌های ۱۶۸ و ۴۹۱ یاد شده است.

بدان جهت که در کتاب «روائع الیّان» نام این سوره‌ها و شمار آیه‌ها به صورت جداگانه یاد نشده، گزارش آماری از آن می‌تواند برای خواننده سودمند باشد. نام سوره‌های برگزیده صابونی و نیز شمار آیات منتخب وی چنین است: فاتحة الكتاب (۷-۱)؛ بقره (۱۰۱-۱۰۳، ۱۰۶-۱۰۸، ۱۴۲-۱۴۵، ۱۵۸-۱۶۰، ۱۷۲-۱۷۳، ۱۷۸-۱۷۹، ۱۹۰-۲۰۳، ۲۱۶-۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۷۵-۲۸۱)؛ آل عمران (۲۸-۲۹، ۹۶-۹۷)؛ نساء (۱-۱۰، ۱۹-۲۴، ۳۴-۳۶، ۹۲-۹۴، ۱۰۱-۱۰۷)؛ مائده (۵-۶، ۴۰-۴۳، ۸۹-۹۲)؛ توبه (۱۷-۱۸، ۲۸-۲۹)؛ انفال (۱-۴، ۱۵-۱۸، ۴۱)؛ حج (۳۶-۳۷)؛ نور (۱-۱۰، ۲۲-۲۴، ۵۸-۶۱)؛ لقمان (۱۲-۱۵)؛ احزاب (۱-۶، ۴۹-۵۴، ۵۶-۵۹)؛ سبأ (۱۰-۱۴)؛ ص (۴۱-۴۴)؛ محمد ﷺ (۴-۶، ۳۲-۳۵)؛ حجرات (۶-۱۰)؛ واقعه (۷۵-۷۸)؛ مجادله (۱-۴، ۱۱-۱۴)؛ ممتحنه (۱۰-۱۳)؛ جمعه (۹-۱۱)؛ طلاق (۱-۷)؛ مزمل (۱-۱۰).

۳. صابونی و نگره‌اش در قلمرو آیات الاحکام

گرچه تمام آیه‌های قرآن، هدایت انسان را هدف گرفته، در کنار آن هر یک بیانگر موضوعی ویژه نیز می‌باشد؛ برخی از آنها به بیان احکام شرعی پرداخته و برخی قصص ادیان پیشین را باز می‌گویند. شماری نیز امثال قرآنی را یادآور می‌گردند و بعضی به بیان معارف و یا مسائل دیگر می‌پردازد. پرسش اساسی این است: آیا احکام فقهی را تنها باید از نوع نخست آیه‌های یادشده جست یا درنگ در گونه‌های دیگر هم توان رهنمونی به احکام فقهی را داراست؟ پاسخی که مفسر برابر این پرسش می‌نهد به افزونی یا اندکی شمار آیات الاحکام می‌انجامد.

صابونی در استنباط حکم شرعی به آیات الامثال اشاره نکرده است. به نظر او آیات قصص نیز تنها هنگامی شایسته استناد فقهی است که با قوانین اسلام نسخ نشده باشد. نظری که او پیرامون سجده برادران حضرت یوسف علیه السلام بیان داشته نمونه‌ای روشن در این باره است. وی می‌گوید انجام سجده با انگیزه تحیت در شریعت حضرت یوسف علیه السلام روا بوده است، لذا سجده برادران یوسف بر اساس قوانین شریعت آنان کار ناروایی شمرده نمی‌شود، اما چنین کاری در شرع ما حرام است؛ زیرا شریعت اسلام ناسخ شرایع پیشین می‌باشد. قاعده‌ای که وی در این باره یاد کرده چنین است: شریعت پیش از ما تا زمانی برای ما معتبر است که در دین ما نسخ

نشده باشد (۱۴۲۱: ۲/۴۲۰). شاید به همین جهت است که از این گونه آیه‌ها هم استفاده چندانی نکرده است.

او احکام فقهی را تنها با تکیه بر آیه‌هایی بررسی کرده که به گونه آشکار بیانگر آن باشد. شاید از این روست که شمار زیادی از ۲۴۰ آیه‌ای را که در کتابش آورده، در استنباط حکم به کار نگرفته و تنها به تفسیر آن بسنده کرده است. به عنوان نمونه ذیل عنوان «حرمت مسّ مصحف» سیزده آیه را یاد کرده و تنها به استناد دو آیه، حکم شرعی را استنباط نموده است (همان: ۴۹۶-۵۱۱) و نیز در پی عنوان «تلاوة القرآن» ۱۰ آیه از سوره مزمل را آورده و تنها دو حکم شرعی از برخی آیه‌های آن به دست داده است (همان: ۶۲۱-۶۳۱).

ممکن است این هم از شیوه پژوهش صابونی سرچشمه گیرد؛ زیرا در شیوه منتخبش، از یک سو در موارد فراوان نگاه تفسیری وی از نگرش فقهی بدان پیشی گرفته است و از دیگر سوی، والایی فوق‌العاده سخنان سلف در نگاهش تمام توان وی را به گزارش و توجیه آن مشغول و او را از اندیشیدن به فراتر از آن باز داشته است. کوتاه سخن اینکه به نظر، شیوه او، توسعه در قلمرو آیات الاحکام را برنتابیده و آنها را در حوزه‌ای نه چندان فراخ تعریف می‌نماید.

۴. آرای اصولی

قرآن، سنت نبوی صلی الله علیه و آله، قول صحابی، اجماع، قیاس، استحسان و عرف، منابع و مصادر مهم استنباط در فقه حنفیه به شمار می‌آید (الخن، ۱۴۲۰: ۳۶۰). اکنون به بررسی چگونگی کار صابونی پیرامون برخی از این منابع و آرای برگزیده او بسنده می‌شود. عناوین منتخب چنین‌اند: سیره؛ اجماع؛ قواعد فقهی؛ برخی آرای ویژه فقهی.

۴-۱. سیره

مراد از سیره در اینجا عبارت است از گفتار و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز قول صحابی. صابونی همانند بسیاری از دانشوران اصولی به حجیت سیره پیامبر صلی الله علیه و آله معتقد است. به باور او گفتار و رفتار رسول اکرم صلی الله علیه و آله به تنهایی برای اثبات شرعی بودن یک کار

یکافی است (۱۴۲۱: ۵۷/۱، ۵۸۲ و ۳۲/۲ و ۴۵۷). بنابراین پیروی از رفتار ایشان و تأسی بدان واجب می‌باشد (همان: ۱۴۱/۱ و ۲۵۰). از این رو، وی از اینکه برخی با وجود آگاهی از سیره درباره شرعی بودن یک کار تردید می‌نمایند، شگفت‌زده می‌شود (همان: ۲۲/۲).

نکته مهمی که در نگره اصولی صابونی به سیره به چشم می‌آید، ارزشمندی سیره صحابه در کنار سیره پیامبر ﷺ است. او رفتار صحابه را به مانند سیره رسول اکرم ﷺ ارزیابی کرده و کارشان را معیاری برای تشخیص شرعی بودن کارها تلقی و در مواردی به آن استناد می‌کند (همان: ۵۷/۱، ۴۵۴، ۵۵۶ و ۳۵۳/۲ و ۵۰۸). به عنوان نمونه درباره حکم «کمترین مقدار مهریه» وی چنین معتقد است: هر آنچه ثمن بودنش در معامله جایز است مهریه قرار گرفتنش نیز رواست. او در استوارسازی نظر خود به سیره یکی از تابعان استناد نموده و می‌گوید:

«سعید بن مسیب» که از تابعان بزرگ است، مهریه فرزندش را دو درهم قرار داد و هیچ کس بر او خرده نگرفت (همان: ۴۵۳/۱ و ۴۵۴).

صابونی علت حجیت سیره صحابه را پیروی همه‌جانبه و بی‌چون و چرای آنان از پیامبر اکرم ﷺ می‌داند و معتقد است که پیروی آنان از محبت فراوانشان نسبت به پیامبر ﷺ سرچشمه می‌گیرد. او در این باره نوشته:

سلف صالح از تمام کارها و رفتار پیامبر ﷺ سرمشق گرفته و از آن پیروی می‌نمودند، هرچند در همه موارد از رمز و راز آن آگاه نبودند. درباره یکی از صحابه گفته‌اند که پس از به جای آوردن نماز جمعه، ساعتی به گردش در بازار پرداخت، سپس به مسجد بازگشته و به خواندن نمازهای دیگری پرداخت. به او گفتند: چرا چنین نمودی؟ گفت: من بزرگترین فرستادگان خداوند را دیدم که چنین کرد و من هم از او پیروی نمودم و سپس این آیه را تلاوت نمود: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ﴾^۱ (جمعه/ ۱۰). (همان: ۵۷۸/۲)

۴-۲. اجماع

اجماع به عنوان یکی از منابع مهم استنباط در فقه اهل سنت مطرح است. تعاریف

۱. و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید.

گوناگونی در دانش اصول برای این اصطلاح ارائه شده است، اما تعریف صاحب «ارشاد الفحول» که به نظر برخی تعریف مناسبی است، چنین می‌باشد: «اتفاق مجتهدی أمة محمد ﷺ بعد وفاته في عصر من الأعصار على أمر من الأمور؛ اجماع، هماهنگی پیروان حضرت محمد ﷺ است که درباره کاری از کارها و در زمانی از زمانها شکل گرفته باشد (الخن، ۱۴۲۴: ۴۵۵).

اختلاف اصولیان درباره اجماع، تنها در ارائه تعریف اصطلاحی از آن نیست، بلکه در تعیین مراد از افراد معتبر در تحقق اجماع نیز هم‌داستان نیستند: برخی معتقدند که اجماع تمام امت و پیروان پیامبر اکرم ﷺ معتبر است، گروهی دیگر نیز بر این نظرند که اجماع اهل مدینه حجت است و بعضی دیگر به اعتبار اجماع صحابه باور دارند.

از سخنان صابونی چنین برمی‌آید که وی اجماع را توافق و اجتماع صحابه بر یک حکم می‌داند. حکم فردی که مرتکب دزدی می‌شود در سوره مبارکه مائده چنین بیان شده است: «و السارق و السارقة فاقطعوا أيديهما»^۱ (مائده/ ۳۸) یکی از پرسشهایی که پیرامون این حکم مطرح می‌شود این است که اگر دزد پس از آنکه دستش جدا شد دوباره سرقت نماید چه تنبیهی برای او در نظر گرفته می‌شود؟ صابونی در کنار روایتی که در این باب از دارقطنی گزارش نموده است چنین می‌نگارد:

اگر سارق پس از اجرای حد و قطع دست دوباره دزدی کرد، پای چپ او جدا می‌گردد. این حکم با استناد به انجام این کار از سوی حضرت علی عليه السلام و عمر استنباط می‌شود؛ زیرا آنان در چنین موردی پای دزد را جدا نمودند و این کار و حکمشان برابر صحابه بود و هیچ یک از صحابه منکر درستی کارشان نشده و بر آنان خرده نگرفت. بر این اساس می‌توان گفت این حکم اجماعی است (۱۴۲۱: ۵۵۶/۱).

او معتقد است به علت استواری و قوت حجیت اجماع، مخالفت با آن به آسانی ممکن نیست و کار ناپسندی شمرده می‌شود. وی در مورد وقوع طلاق سوم در یک

۱. مرد و زن دزد (به سزای آنچه کرده‌اند) دستشان را ببرید.

مجلس نگاشته است:

آنچه مخالفان این نظر گفته‌اند توانایی رد ادلهٔ جمهور را که به وقوع چنین طلاقى معتقدند، ندارد. به ویژه اجماع صحابه که دلیلی استوار است و این اجماع رساترین دلیل و محکم‌ترین حجت و برهان جمهور شمرده می‌شود. بر این اساس، ما معتقدیم قانونی که خداوند متعال پایبندی به آن را از ما خواسته است، همان است که در این مورد صحابه و فقیهان بر آن اجماع نموده‌اند و مخالفت با اجماع چیز اندک و کم‌اهمیت و یا سبکی نیست (همان: ۳۳۵).

قلم صابونی هنگامی که می‌بیند گاه افرادی با دقت کم و آگاهی اندک سخنی بر خلاف اجماع به زبان می‌رانند، تند شده و بر آنان می‌تازد. نقد نظر کسانی که با تکیه بر آیهٔ کریمه ﴿فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع﴾^۱ (نساء/۳) به جواز ازدواج دائم با نه زن در یک زمان حکم راندند، نمونه‌ای روشن در این باره است. صابونی در ارزیابی این سخن نوشته است:

آنچه این افراد تازه‌کار و مبتدی گفته‌اند مخالف اجماع است؛ زیرا اجماع بزرگان و صحابه بر حرام بودن ازدواج با بیش از چهار زن، منعقد شده است و عصر اجماع‌کنندگان نیز سپری شده است، بنابراین با مخالفت این شمار اندک و ناچیز اجماع شکسته نشده و حجیتش را از دست نمی‌دهد و بر قوت و استحکام آغازینش باقی می‌ماند و آنچه اینان به زبان راندند از سر نادانی و کم‌خردی است و همان‌گونه که شاعر سروده است باید گفت که:

یضل عن الصراط المستقیم
و آفته من «الفهم السقیم»^۲

و من أخذ العلوم بغير شیخ
و کم من عائب قولاً صحیحاً

۳-۴. قواعد فقهی

صابونی در مواردی نه اندک به برخی از قواعد فقهی استناد می‌نماید. به عنوان نمونه ذیل آیهٔ ﴿لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج و لا

۱. هرچه از زنان، شما را پسند افتد، دو دو، سه سه، چهار چهار، به زنی گیرید.

۲. هر که دانش را بدون استاد فرا گیرد از راه درست دور افتاده و گمراه می‌شود و چه بسا افرادی که بر سخن درست ایراد می‌گیرند و آفت آنان فهم نادرست و بیمار است (ر.ک: صابونی، ۱۴۲۱: ۴۲۷/۱).

علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت آبائکم أو بیوت أمهاتکم^۱ (نور/ ۶۱) این فرع فقهی را طرح و بررسی نموده که آیا دست سارق هنگامی که از منزل محارم دزدی نمود قطع می شود.

به نظر او دست چنین دزدی نباید قطع گردد، هر چند سزاوار تعزیر خواهد بود. علت سقوط حد قطع دست نسبت به او، پیوند محکم و استوار فامیلی است که میان او و صاحب خانه است و این قرابت و نسبت نزدیک سبب ایجاد شبهه می گردد و از طرفی می دانیم که «الحدود تدرأ بالشبهات»، نتیجه اینکه حد قطع دست درباره او جاری نخواهد شد و او تنها سزاوار تعزیر می باشد (همان: ۲۳۱-۲۳۲ و ۵۵۵).

و نیز به دنبال آیه کریمه^۲ «و إذا ضربتم فی الأرض فلیس علیکم جناح أن تقصروا من الصلاة»^۳ (نساء/ ۱۰۱) که بیانگر حکم قصر نمازهای مسافر است، به بررسی این مسئله پرداخته است که آیا در هر سفری قصر نماز جایز است یا این حکم ویژه سفرهایی است که سفر معصیت شمرده نشود. برخی بر این نظرند که مطلق سفر (خواه معصیت و خواه غیر معصیت)، مجوز قصر نماز است. اما صابونی به همراه عده زیادی چنین باور دارند که نماز، تنها در سفر مباح قصر می شود. وی یکی از ادله خود برای اثبات این نظر را پرهیز از کمک دیگران برای انجام کار نادرست و معصیت می داند و می نگارد: «لئلا نعینه علی المعصية و الله تعالی یقول: و لا تعاونوا علی الإثم و العدوان»^۴ (مائده/ ۲). (همان: ۵۱۷ و ۵۱۸)

او افزون بر استناد به قواعد فقهی گاه پیرامون مفاد قاعده و نیز مستندات قرآنی و یا روایی آن، نکاتی را به آگاهی می رساند. به عنوان نمونه وی به دنبال آیه کریمه «یرید الله بکم الیسر و لایرید بکم العسر»^۴ (بقره/ ۱۸۵) چنین نگاشته است: در این آیه یکی از محسنات بدیعیه به کار رفته است که در دین وجود دارد و با استناد به مفاد همین آیه، فقیهان قاعده‌ای را استنباط نموده‌اند و آن قاعده چنین بازگو می شود: «المنفعة تجلب

۱. بر تائینا و لتک و بیمار و بر شما ایرادی نیست که از خانه‌های خودتان بخورید یا از خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان.

۲. و چون در زمین سفر کردید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید.

۳. و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید.

۴. خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد.

التیسر» (همان: ۱۹۸ و ۱۹۹). همچنین در تبیین افرادی که به سبب «مصاهرت» (ازدواج) محرم یک مرد محسوب می‌شوند به آیه کریمه «و أمهات نسائکم و ربائبکم اللاتی فی حجورکم من نسائکم اللاتی دخلتم بهنّ فإن لم تکنوا دخلتم بهنّ فلا جناح علیکم» (نساء/ ۲۳) استناد کرده و چنین آورده است:

آنچه مفاد آیه بیان می‌کند این است که مادر زن، به مجرد عقد، محرم مرد می‌شود، اما دختر زن، تنها در حالت ویژه، محرم مرد می‌شود و عقد به تنهایی سبب محرمیت مرد با دختر زنش نخواهد بود. عالمان و فقیهان با تکیه بر این آیه یک قاعده را استنباط و رایج نمودند که «العقد علی البنات یحرّم الأمهات و الدخول بالأمهات یحرّم البنات» (همان: ۱۶۳، ۳۲۹ و ۴۵۵).

نکته پایانی اینکه وی علاوه بر آنچه یاد شد به قواعدی مانند قاعده نفی سیل (همان: ۴۰۴)، یحرّم من الرضاعة ما یحرّم بالنسب (همان: ۳۵۴ و ۴۵۴)، الولد للفرّاش (همان: ۹۵/۲)، قاعده تساهل (همان: ۱۰۹/۱، ۱۲۷ و ۲۴۸) نیز اشاره و استناد می‌کند.

۴-۴. برخی آرای ویژه فقهی

صابونی در بررسی احکام شرعی (به مانند بخشهای دیگر کتابش) بیشترین کوشش خود را به گزارش آرای فقیهان اختصاص داده و تلاش می‌کند تا به گونه‌ای سودمند و نیکو نظرات گوناگون و ادله آنها را به آگاهی خواننده برساند. او در این میان خود را چندان درگیر بحث نمی‌نماید و تنها در پایان بررسی یک مسئله، بسیار کوتاه و گذرا نظر برگزیده خود را یادآوری می‌کند.

اما گاهی فراتر از این شیوه به صورت نمایان و برجسته‌تر وارد معرکه آرا شده و به مناقشه با اقوال و ادله آن می‌پردازد که در برخی موارد با گزینش نظر فقهی ویژه فرجام می‌یابد. آنچه که وی به دنبال بررسی حکم عکس‌برداری با دوربین آورده، نمونه‌ای از این موارد می‌باشد.

صابونی معتقد است که حتی اگر عکس‌برداری با دوربین، از نظر شرعی جایز

۱. و مادران زنان و دختران همسران که [آن دختران] در دامان شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران همبستر شده‌اید، پس اگر با آنان همبستر نشده‌اید بر شما گناهی نیست [که با دخترانشان ازدواج کنید].

باشد، دایرهٔ جوازش محدود است و در استفاده از آن باید به اندازهٔ ضرورت بسنده کرد (همان: ۴۱۷-۴۱۵/۲). نمونهٔ دیگر را می‌توان دربارهٔ حکم «پوشش صورت زنان» گزارش نمود. او پیدا بودن صورت و دست زنان را به هنگام حضور در نزد نامحرم روا نمی‌داند. هرچند او، استثنای «وجه و کفین» از محدودهٔ حجاب شرعی را نادیده نمی‌انگارد، ولی معتقد است آلودگی اخلاقی جامعه سبب می‌شود تا ما به «حرمت کشف وجه و کفین» حکم نماییم (همان: ۱۵۷/۲ و ۱۵۸).

۵. روش تفسیری

صابونی به هنگام تفسیر آیات، نخست آیات مورد نظر را یاد و سپس با استشهاد به سخنان مفسران و ادیبان به تحلیل لفظی و بیان معنای اجمالی آنها پرداخته و اگر برای آیه سبب نزولی بیابد آن را نقل می‌کند. گزارش و بیان وجوه قرائت، وجوه اعراب و یادآوری لطایف تفسیری بخش دیگری از کوششهای او در ساماندهی مطالب تفسیری می‌باشد.

افزون بر این، وی به تبیین حکمت تشریح و برنمایاندن تناسب و پیوند میان آیات پیشین و پسین نیز همت می‌گمارد. به نظر، پرداختن به دو نکتهٔ اخیر در نگاشته‌های آیات الاحکام، پیشینهٔ کمتری داشته و شاید بتوان آن را از امتیازات اثر صابونی در برابر نگاشته‌های همانند دانست. صابونی برای ارائهٔ مفاد آیات (به مانند بخشهای دیگر در کتابش) بیشترین تلاش خود را بر گزینش گزارش و اقوال عالمان متمرکز نموده است و با تکیه بر ابزارهای گوناگون می‌کوشد تا بتواند مراد آیات را به روشنی فرا روی خواننده بنهد.

نگاه به برخی واقعیات، مسائل و مشکلات جامعه به هنگام تفسیر آیات، از نکات شایستهٔ توجهی است که صابونی در اثرش در پیش گرفته است؛ از این رو نمونه‌هایی از آن ذیل عنوان «تبیین آیات با توجه به مشکلات امروزی جامعه» گزارش می‌شود. چگونگی تعامل صابونی با اهل بیت علیهم‌السلام نیز در روش تفسیری صابونی حایز اهمیت است؛ زیرا او نویسنده‌ای سنی‌مذهب است و گزارش کتاب او از این زاویه، پاسخ به پرسش برخی خوانندگان و گامی در شناساندن بهتر کتاب محسوب می‌گردد.

۱-۵. تبیین وجوه ادبی در آیه

بررسی آیه با تکیه بر داده‌های دانش لغت، صرف، نحو و بلاغت را باید از ابزار مهم و پرکاربرد صابونی در تفسیر آیات دانست. علاوه بر استنادات فراوانش به سخنان عالمان گذشته، حضور جدی و پویای او در مباحث نیز آشکار است که بیانگر توانایی او در این عرصه می‌باشد. بررسی میزان و چگونگی تأثیر همه دانشهای ادبی یادشده در «روائع الیان» مجال دیگری می‌طلبد؛ از این رو تنها به ذکر آدرس برخی موارد بسنده می‌شود (ر.ک: همان: ۴۰/۱، ۱۴۹، ۱۵۴-۱۵۶، ۱۹۹، ۲۲۷، ۲۳۸-۲۴۰، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۲۶، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۰۱، ۴۲۳، ۴۳۸، ۴۸۱، ۴۹۶، ۴۹۷، ۵۳۴، ۵۶۰، ۵۷۱، ۵۷۹ و ۶۰۲؛ ۱۴/۲، ۸۲، ۱۵۰، ۱۸۲، ۱۸۴، ۲۰۸، ۲۴۱، ۲۵۰-۲۵۳، ۲۷۶، ۲۸۴-۲۸۶، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۶۰، ۳۹۲-۳۹۷، ۴۴۲-۴۴۵، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۸۲، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۷۷).

۲-۵. تفسیر قرآن به قرآن

دانش تفسیر که تبیین مراد آیات را هدف گرفته است، مفسر را وامی‌دارد تا از ابزارهای مختلف برای دست‌یابی بدین مقصود سود جوید. یکی از این ابزارها بهره جستن از برخی آیات برای تفسیر آیات دیگر است. کارآمدی این شیوه که به «تفسیر قرآن به قرآن» نامبردار است، از این روست که آیات قرآن اجزای یک مجموعه بوده و مبدأ یگانه‌ای دارد. بنابراین منطقی است که برخی اجزاء، توان تفسیر اجزای دیگر را دارا باشد.

صابونی در برخی تعابیر، نگرش تفسیری خود را به این مسئله چنین یادآور شده است که برخی آیه‌ها، آیات دیگر را تفسیر می‌نماید (همان: ۱۴۷/۱). او در موارد فراوان با تکیه بر این سخن به تبیین مراد آیات پرداخته است. برای نمونه به دنبال آیه «وَإِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا»^۱ (ص/۴۴) آورده است:

خداوند حضرت ایوب عَلَيْهِ السَّلَام را با ویژگی «صبر» وصف نموده است، با آنکه او از آسیبی که بدو رسید به نزد خداوند شکوه برده و چنین گفت: «إِذْ نَادَى رَبَّهُ أُنْسِي مُسْتَنِى الضَّرْبِ»^۲ (انبیاء/۸۳) در اینجا (سوره ص) نیز گفته: «وَإِذْ نَادَى عَبْدُنَا أَيُّوبُ إِذْ نَادَى

۱. ما او را شکیا یافتیم.

۲. هنگامی که [ایوب] پروردگارش را ندا داد که به من آسیب رسیده است.

رَبِّهِ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ^۱ (ص / ۴۱) در کنار هم نهادن این آیات ما را به این گزاره رهنمون می‌گردد که شکوه بردن نزد خداوند با «صبر» منافات نداشته و با آن ناسازگار نیست. حضرت یعقوب علیه السلام نیز گفت: «قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ»^۲ (یوسف / ۸۶) اگر شکوه بر آستان خداوند با صبر ناسازگار بود ایشان شایسته چنین ستایشی نبود (همان: ۲۹، ۶۴، ۹۸، ۳۵۹ و ۵۲۳؛ ۴۲۸/۲، ۴۲۹، ۲۸۵، ۴۶۰، ۵۰۲، ۵۷۳ و ۵۷۸).

همچنین صابونی با تکیه به برخی آیات و واژه‌های آن به تبیین معنای واژه‌ها (همان: ۱۷/۱، ۲۸، ۲۹، ۱۱۲، ۵۲۳ و ۵۹۵؛ ۲۳۵/۲) و تبیین نکات ادبی آیات دیگر (همان: ۲۵۷/۱؛ ۸۲/۲، ۴۸۱ و ۵۴۱) پرداخته است. باید تأکید کرد که بیشتر تلاش او در تفسیر قرآن به قرآن در همین حوزه، یعنی تبیین نکات ادبی و بیان معانی واژه‌ها صورت گرفته است.

او مانند «فخر رازی» از کار برخی عالمان اظهار شگفتی می‌نماید. کار آنان که به هنگام برخورد با ناهماهنگی اسلوب ادبی قرآن و قواعد ادبیات عرب می‌کوشند تا شعری هرچند ناشناس که همسو با اسلوب قرآنی است بیابند تا با تکیه بدان درستی شیوه ادبی قرآن را استوار سازند. آنان با یافتن این‌گونه شواهد و اشعار شادمان شده و می‌پندارند که به حجت محکم دست یافته‌اند. غافل از اینکه کاربرد یک نکته ادبی در قرآن (که دوست و دشمن بر فصاحت آن هم‌داستانند) خود محکم‌ترین دلیل بر درستی آن است و نیازی به استناد به اشعار گمنام و ناشناس نیست. صابونی در ادامه برتری شیوه به کار گرفته شده در قرآن نسبت به قواعد ادبیات عرب را یادآور شده و می‌نگارد:

قرآن کریم برتر از لغت بوده و هرگز لغت حجت بر قرآن نمی‌باشد (همان: ۲۲۷/۱ و ۲۲۸).

۳-۵. تبیین آیات با توجه به مشکلات امروزی جامعه

نگاشته‌های تفسیری و فقهی آن گاه سودمند و روزآمد است که در آغازین گام،

۱. آن گاه که [ایوب] پروردگارش را ندا داد که شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد.

۲. [یعقوب] گفت: من شکایت غم و اندوه خود را پیش خدا می‌برم.

مفسر یا فقیه، با یک چشم منابع و متون را ژرف بکاود و با دیگر چشم، جامعه و مشکلات دینی‌اش را نیک بنگرد، پس از آن بی‌مهابا مشکلات را گوشزد و به ریشه‌یابی درست آن پردازد. در نهایت با تکیه بر معارف دین راه برون‌شد از آن را عرضه نماید.

صابونی در نگاشته خود گام در چنین مسیری نهاده است. آقای «عبدالله خیاط» در تقریظش بر «روائع البیان» مسئله‌هایی به مانند حجاب زنان را یادآور شده و سپس در ادامه نگاشته است:

آنچه گفتیم بخشی از مشکلات دینی جامعه در روزگار نوین است که یادآوری آنها و بازگویی نظر دین درباره‌اش کاری بایسته می‌باشد.

صابونی به دور از پرده‌پوشی و بی‌هراس از سرزنش و ملامت دیگران، نگاه خود را به این نوع از مشکلات دوخته است و کوشیده تا تصویر درستی از آموزه‌های دین در این باره ترسیم کند. آموزه‌هایی که انسان را عزت بخشیده و با تکیه بدان توان آن می‌یابد تا خواسته‌های نادرست نفسانی را به یک سو افکند (همان: ۷). اکنون نه سنجش میزان کامیابی، بلکه تنها گزارش کار صابونی در این عرصه در پی می‌آید.

دوران معاصر در بوتهٔ محک

برای تقریر درست سخن صابونی در زمینهٔ مشکلات اجتماعی باید در آغاز، ارزیابی او از دوران معاصر روشن گردد. تصویری که او از روزگار کنونی به دست می‌دهد، بسیار تاریک و آلوده به نظر می‌رسد و فاصله و تفاوت فراوان با آموزه‌های دین دارد. او در موردی آورده است:

در این روزگار رذیلتها بر فضیلتها پیشی گرفته، مفاهیم و ارزشهای اخلاقی دست‌خوش دگرسانی شده است. نمادهای بی‌خردی چونان مظاهر پیشرفت و تمدن شمرده می‌شود. کدامین انسان در چنین اوضاعی از آیندهٔ خوفناک بشریت نمی‌هراسد؟ در این روزگار که عصر نورش خوانند، می‌بینیم برخی گاو را پرستیده و به فضولاتش تبرک می‌جویند. پس چه‌سان به خردورزی بشر مطمئن گردیم در حالی که گام به سوی سقوط در پیش می‌نهد (همان: ۴۲۲/۲).

او از جاهلیتی جدید سخن می گوید که با ماهیتی زشت تر از جاهلیت پیش از اسلام دامن بشر را آلوده است. این دو تعبیر را بنگرید:

«ما أشبه جاهلیة القرن العشرين- فی زماننا بتلك الجاهلیة الأولى... إلا أنها أشنع و أفظع»؛ جاهلیت قرن بیستم چقدر به جاهلیت نخستین همانند است.... [تفاوتی میان این دو جاهلیت نیست]، بلکه جاهلیت جدید زشت تر و زنده تر از گذشته است (همان: ۱۹۷). و ما هی [حضارة القرن العشرين] بحضارة و إنما هی قذارة و فجارة و لقد أحسن من قال:

إیه عصر العشرین ظنوك عصراً تیر الوجه مسعد الإنسان
لست «نوراً» بل أنت «نار» و ظلم مذ جعلت الإنسان كالحيوان

تمدن قرن بیستم، تمدن نیست، بلکه آلودگی و فسق و تباهی است و چه نیکو سروده آنکه گفته است: بس کن قرن بیستم، مردم تو را دوران طلایی و خوشبخت کننده بشر می پندارند، اما برستی تو نور نیستی، بلکه از هنگامی که انسان را حیوان پنداشتی، آتشی (همان: ۱۶۳).

آیا برستی انسان معاصر چنین از شاهراه سعادت و کمالش به دور افتاده و در گرداب تباهی غوطه ور است؟ ممکن است این همه ناخرسندی صابونی، بازتاب فساد برخی مؤلفه های تمدن معاصر و نه تمامی آن و نیز فساد محیط پیرامونش باشد. گمان دیگر اینکه وی در این عرصه نیز به مانند حوزه های دیگر، متأثر از والایی فوق العاده دوران سلف، به چنین ارزیابی رسیده است.

مشتی از خروار

اکنون زمان آن است تا مشکلات اجتماعی را که صابونی بدان اشاره نموده، یاد گردد. از نمونه های برجسته این نابهنجاریها، وضعیت نامناسب زنان به هنگام حضورشان نزد نامحرم است. آشفتگی این وضعیت تا بدانجا او را می شوراند که در چند جای کتابش زشتی و نادرستی آن را تکرار می نماید (همان: ۱۵۷/۱، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۸ و ۱۷۱) و در برخی موارد سخن را با استرجاع پایان می بخشد (همان: ۱۹۷ و ۴۱۳: ۳۸۴/۲).

او - .جواب زنان امروزی را به پوشش نامناسب زمان جاهلی همانند می داند (همان) و همگان را به پیرایش این آرایش فرا می خواند (همان: ۱۶۷/۲). مسافرت دختران بی همراهی فرد محرم را نشان دور افتادن جامعه از تعالیم دین و خاموشی فروغ شهامت و مردانگی تلقی می کند، حتی اگر سفر دوشیزگان به شهرهای دوردست برای دانش اندوزی باشد (همان: ۱۴۳/۱ و ۱۴۴). مصافحه زن با مرد نامحرم را نیز بدین سان. وی پندار جواز این کار را بهتانی بزرگ قلمداد کرده است (همان: ۵۶۶/۲). گسترش رابطه نامشروع و عادی شدن آن نیز می تواند مشکل دیگر اجتماع باشد. وی افزون بر بیان زشتی این کار، وضعیت امروز را با زمان جاهلی مقایسه می نماید. او می گوید: قلمرو این منکر فراتر از محدوده اش در زمان جاهلی دامن گسترانیده است؛ زیرا در آن روزگار تنها کنیزکان را بدین منکر وا می داشتند و امروزه افراد آزاد با حمایت قانون در این آلودگی غوطه ورنند (همان: ۱۹۷).

وی جز این، به برخی رفتارهای نادرست اقتصادی نیز اشاره می نماید. به عنوان نمونه مشکل آفرینی و آسیب زایی ربا را از زوایای شخصی، اجتماعی و اقتصادی بازگو نموده (همان: ۳۹۵/۱، ۳۹۶ و ۵۶۸) و در پایان نوشته است:

ربا سبب گرفتاریهای فراوانی است که اینک دامنگیر گروهها و جوامع می باشد و به افزونی انقلابهای داخلی نیز دامن می زند (همان: ۳۹۶).

همچنین باید اشاره کوتاه وی به قمار و نقش تخریبی آن در زندگی افراد یادآوری گردد. او در این باره نوشته است:

همواره شاهدیم که روزبه روز برای بشر زیان و آسیبهای جدید شراب و قمار (که پیشتر آنها را نمی شناخت) آشکار می شود اینها تجلی و تبلور صدق و استواری کلام خداست که فرموده است: *وَإِنَّمَا يَرِيْدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ*^۱ (مانده / ۹۱). (همان: ۲۸۱)

نپرداختن به مشکلات مهمتر جامعه از غنای این بخش «روائع البيان» کاسته است.

۱. همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد، پس آیا شما دست برمی دارید؟

چه بسیار مشکلات عمیق و مهمتر که ذیل برخی آیه‌ها، طرح آن مناسب و ضروری بود و صابونی بدان پرداخته است. مشکلاتی مانند معضلات کلان سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی و....

تجلیل مشکلات

صابونی در ریشه‌یابی مشکلات امروزی انگشت اتهام را به سوی چند عامل نشانه می‌رود؛ نخستین آن ناآگاهی دینی مردم است. وی این عامل را آبشخور نابسامانیها می‌داند. او در موردی آورده است:

برخی ناآگاهان می‌پندارند، حجاب در زمره کارهای واجب دینی نبوده، بلکه سنتی شکل گرفته از زمان عباسیان است. این گمان بهره‌ای از درستی ندارد و تنها می‌تواند بیانگر نادانی آنان به کتاب روشن خدا و یا بازگوکننده دسیسه پنهان‌شان باشد. مایلیم پرده‌های پندارشان بدرم تا حق و باطل در هم نیامیزند و حقیقت آشکار گردد. این گونه گمراهان در این عصر چه فراوان و حضورشان برای جامعه و اخلاق چه زیان‌بار است؛ زیرا به نام اصلاح، آهنگ تخریب نموده‌اند (همان: ۱۷۹/۲ و ۲۸۷).

علاوه بر شبهه علمی، او به عامل دیگر پیدایش انحرافهای جامعه، یعنی شهوت عملی نیز اشاره می‌نماید. وی در موضعی چنین نگاشته است:

آوازی شوم افراد را به آشکار نمودن صورت زن در جامعه فرا می‌خواند. شمار فراوانی، این دعوت را پاسخ مثبت داده‌اند. پذیرش آنان نه از سر حق‌گرایی، بلکه به سبب هوامداری است؛ زیرا بدین وسیله درخواستهای نفسانی خود را تأمین می‌کنند، درخواستهایی که همواره برای انسان لذت‌بخش می‌نماید (همان: ۱۷۱).

وی افزون بر این به نقش منفی فرهنگ غربی و دل‌باختگی بدان را در پیدایش و گسترش مشکلات اجتماعی یادآور شده است (همان: ۵۲-۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸ و ۱۶۳).

او معتقد است دوران زندگانی سلف شایسته و صالح، دوران طلایی تاریخ اسلام است و واکاوی سیره آنان، زشتی برخی رفتارهای کنونی را به درستی برمی‌نمایاند و راه برون‌شدن از مشکلات، پیروی از شیوه سلف می‌باشد. به سخن او بنگرید: هر آنکه زندگی سلف (صحابه و تابعان) را بررسی کند و نیز به شیوه‌ای که

زنانشان در نوع حجاب در پیش گرفته بودند، درنگرد و نیز رویه جاری در دوران طلایی اعصار اسلامی را ملاحظه کند، خطاپیشگی رفتار و گفتار برخی افراد درباره مسئله حجاب برایش آشکار می شود (همان: ۱۷۲ و ۳۸۴).

۴-۵. کتاب روائع البیان و اهل بیت علیهم السلام

گزارش چگونگی تعامل صابونی با اهل بیت علیهم السلام برای شناخت بیشتر کتاب، کاری شایسته و سودمند است. نکاتی که در پی می آید، تنها گزارش کوتاهی از نتیجه مطالعه اثر او از این زاویه نگاه و نه ارزیابی و داوری در این باره است.

الف) در این کتاب نام چهار تن از میان اهل بیت علیهم السلام به جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خاطر نشان شده است. در این میان نام حضرت علی علیه السلام بیش از دیگر شخصیت‌های گرانقدر اهل بیت علیهم السلام یاد شده است. این موارد افزون بر ۲۰ مورد است که گزارش نظرات تفسیری (همان: ۱۲۰/۱، ۴۰۶ و ۴۸۴؛ ۲۴۵/۲ و ۶۱۶)، فقهی (همان: ۲۸۰/۱ و ۳۶۴؛ ۶۱۵/۲)، شأن نزول (همان: ۱۴۸/۲)، سیره و رفتار و یا سخنان حضرت می باشد (همان: ۳۷۸/۱؛ ۴۳/۲، ۴۹، ۹۲، ۴۰۸ و ۴۹۲). او نام حضرت را گاه با تعبیری مانند «کرم الله وجهه» و «رضی الله عنه» همراه می سازد (همان: ۲۶/۲، ۲۷، ۳۲ و ۴۳).

ب) نکته دیگر اینکه او با استناد به برخی گزارشات سبب نزول آیاتی را درباره حضرت علی علیه السلام دانسته که از دیدگاه شیعیان، راجع به حضرت نازل نشده (همان: ۴۸۰/۱)، اما انبوه گزارشاتی که آیه «اکمال» را درباره حضرت علی علیه السلام دانسته اند، نقل نمی نماید (همان: ۵۲۶ و ۵۲۷).

ج) همچنین ذیل آیه «نجوی» روایتی به نقل از حضرت علی علیه السلام گزارش کرده که ایشان تنها فرد عمل کننده به این آیه بوده اند، اما در ادامه، سخن قرطبی را گزارش نموده که در آن، عمل به مفاد آیه از سوی حضرت علی علیه السلام انکار شده است (همان: ۵۴۷/۲ و ۵۴۸).

د) صابونی هنگام بررسی منزلت عایشه سخنی از آلوسی در این باره نقل کرده که در آن پس از پایان یافتن کلامش پیرامون مکانت و جایگاه عایشه، جمله ای نیز در فضیلت و برتری حضرت فاطمه علیه السلام بیان می نماید. سخنان آلوسی بدون هیچ گونه کاستی در گزارش صابونی منعکس شده است. بدم تقطیع سخن او می تواند گویای

همسویی و موافقت صابونی با آلوسی راجع به جایگاه فرازند و موقعیت برتر حضرت فاطمه علیها السلام باشد.

آلوسی، چنین نگاشته است:

علی رغم آنچه درباره فضیلت و شخصیت عایشه گفتم، این جمله را به زبان نمی آورم که عایشه برتر از پاره تن و دختر بزرگوار و شایسته رسول خدا صلی الله علیه و آله یعنی فاطمه زهرا (رضی الله تعالی عنها) است (همان: ۱۱۶).

ه) در این کتاب یک روایت از امام حسن علیه السلام (همان: ۳۷۶/۱) و همچنین یک روایت از امام محمد باقر علیه السلام (همان: ۳۷۴) نقل شده است و در بحث وجوه قرائت نیز یک بار قرائتی از زید بن علی گزارش شده است (همان: ۴۴).

۶. علوم قرآنی

آگاهی از علوم قرآنی و به کارگیری آن از ابزارهای ضروری برای کشف و بیان معارف و احکام قرآنی می باشد. صابونی در تفسیر «روائع الیان» از اندوخته های علمی خود در حوزه این دانش سود می جوید. او به بحث های مختلف علوم قرآنی پرداخته و از آن سود می برد. جهت رعایت اختصار تنها به گزارش دو عنوان اسباب نزول و نسخ در «روائع الیان» بسنده می شود:

۱-۶. اسباب نزول

از سخنان صابونی چنین برمی آید که او کوشیده تا تنها به روایتهای معتبر استناد نماید (همان: ۲۵۵/۲). با این حال ناسازگاری میان برخی روایتهایی که صابونی گزارش نموده آشکار است. ذیل آیه نخست سوره طلاق درباره سبب نزولش نگاشته: رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از همسرانش را طلاق داد، پس از آن این آیه نازل شد.

وی در ادامه سبب نزول دیگر را این چنین نقل کرده است: این آیه درباره ابن عمر نازل شده که همسرش را به هنگام حیض طلاق داد (همان: ۲۱۱/۱؛ ۵۹۳/۲).

صابونی سبب نزول آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾

۱. ای کسانی که ایمان آورده اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید.

(نساء/ ۴۳) را درباره حضرت علی علیه السلام و جمعی دیگر دانسته است (همان: ۴۸۰/۱). اما ذیل آیه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دیناً»^۲ (مائده/ ۳) دیدگانش را یکسر بر انبوه سخنان محدثان و مفسران و حتی هم کیشانش که آیه را درباره امامت حضرت علی علیه السلام دانسته‌اند، فروپسته و از تصریح بدان سر باز می‌زند (همان: ۵۲۶ و ۵۲۷).

این همه را یک سو نهد و به گزارش او درباره سبب نزول آیه «یا ایها الذین آمنوا ان جاءکم فاسق نبأ فتبینوا ان تصیبوا قوماً بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین»^۳ (حجرات/ ۶) بنگرید.

وی نخست سبب نزول را به نقل از احمد بن حنبل، درباره ولید گزارش نموده است. اما در ادامه هم صدا با فخر رازی گفته:

ولید فاسق نیست و آیه درباره او نازل نشده است، بلکه مراد آیه یادآوری ضرورت بررسی و جستجوی کافی به هنگام دریافت خبر است. تنها ارتباط آیه با کار ولید، هم‌زمانی اتفاقی این دو با یکدیگر است. دلیل درستی سخن اینکه خداوند در آیه نفرمود: من آیه را برای کار ولید نازل کردم. «ان الله لم یقل ائی أنزلتها کذا» (همان: ۵۸۲، ۴۷۵، ۴۷۶ و ۴۸۷).

این همه در حالی است که عالمان قرآن پژوه گفته‌اند: بی تردید باید سبب نزول آیه در دامنه حکم آن آیه جای گیرد. عجیب‌تر اینکه صابونی خود درستی سخن قرآن پژوهان را باور دارد (همان: ۲۰۹ و ۴۸۵).

۱. این شأن نزول از نظر ما پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام در مورد حضرت علی علیه السلام به هیچ وجه قابل تصور نیست، چه رسد که قابل پذیرش باشد. زیرا ما به عصمت پیامبران از حضرت آدم علیه السلام تا پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و جانشینان بلافصل پیامبر صلی الله علیه و آله باور داریم و این گونه سخنان را درباره ایشان بر ساخته می‌دانیم. مراجعه به برخی منابع اهل سنت نیز نادرستی کلام کسانی را که شأن نزول آیه مورد بحث را درباره حضرت علی علیه السلام دانسته‌اند، آشکار می‌نماید؛ آثاری مانند اسباب النزول واحدی؛ کشف زمخشری؛ الکافی الشافی فی تخریج احادیث الکشاف.

۲. امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم.

۳. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری کنید، مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید.

۶-۲. نسخ

صابونی جواز نسخ و نیز وقوع آن را پذیرفته و معتقد است که ادله فراوانی برای استوارسازی این ادعا در دست است (همان: ۱۰۳/۱). وی -مانند هم کیشانش- افزون بر «نسخ حکم و بقای تلاوت»، «نسخ تلاوت و حکم» و «نسخ تلاوت با بقای حکم» را نیز از انواع نسخ جایز دانسته و وقوعش را هم پذیرفته است.

صابونی دلیلی بر جواز «نسخ تلاوت و حکم» یاد نمی کند و نمی گوید که چگونه می توان به عدم تحریف قرآن باور داشت و در عین حال «نسخ تلاوت و بقای حکم» را ممکن دانست. شاید توجه به اشکالاتی که پذیرش این دو نوع نسخ به دنبال دارد، وی را واداشته تا در پایان بررسی این دو نوع نسخ چنین سخن بگوید:

این دو نوع نسخ در قرآن بسیار اندک و کمیاب است. اساساً خداوند کتابش را به این هدف نازل نمود تا مردم آن را بخوانند و به احکامش پایبند باشند (همان: ۱۰۴).

۷. منابع

صابونی در این اثر از منابع مختلف در حوزه دانش تفسیر، فقه، حدیث و ادبیات استفاده می کند. آنچه در این مجال، کتاب آیات الاحکام صابونی را از نگاشته های مشابهش متمایز می سازد، فراوانی منابع مهم و گزارش کوتاه آنهاست، به گونه ای که در موارد زیادی، خواننده به نظرات مختلف پیرامون یک مسئله آگاه و تا حدی از مراجعه به منابع دیگر بی نیاز می گردد. هرچند بیشتر منابع صابونی از نگاشته های کهن است، اما تمام منابع منتخب او به این کتابها محدود نمی شود، بلکه ماخذ جدید (همان: ۳۴۵، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۷ و ۴۷۶؛ ۱۷۴/۲) و گاه مقالات چاپ شده در نشریات را نیز در بر می گیرد.^۱

نکته مهم دیگر درباره منابع کتاب صابونی این است که در میان آنها از آثار

۱۴۰

مجله تخصصی الهیات و حقوق / زمستان ۱۳۸۷ / شماره ۳۰

۱. به عنوان نمونه او در بحث حجاب به مقاله یک نویسنده زن آمریکایی استناد می کند (همان: ۴۳۰/۱؛ ۳۹۰/۲).

عالمان شیعه (جز موارد بسیار اندک) کتابی به چشم نمی‌آید. در پیش گرفتن این شیوه از سوی صابونی به هنگام استفاده از منابع، دست کم ناپایبندی به شیوه درست پژوهش شمرده می‌شود و نیز سبب کاهش اعتبار این اثر در نگاه خواننده شیعه و یا علاقمندان به آگاهی از نظرات عالمان شیعی می‌گردد.

براستی چرا صابونی که در قرن (۱۴ ق.) روزگار می‌گذراند و در گزارش از منابع کوشاست، برابر انبوه آثار معتبر دانشوران شیعی چشم بر هم نهاده و بی‌توجه از کنار آن می‌گذرد؟

در اختیار نداشتن آثار علمی شیعه، پذیرا نبودن فضای فکری و فرهنگی مخاطبان صابونی و جامعه‌ای که وی در آن می‌زیسته، کم‌اهمیت پنداشن آثار عالمان شیعه و سرانجام تعصب‌ورزی، فرضیه‌هایی است که در این باره قابل بررسی است. هرچند برای اظهار نظر قطعی دسترسی به آگاهیهای افزونتر ضروری است، اما به نظر دو احتمال اخیر از قوت بیشتری برخوردار است. صابونی درباره روش خود نوشته است: مطالب دیگران را با ذکر نام منبع به همراه دقت کامل و با مراعات امانت‌داری علمی نقل نمودم (همان: ۱۲/۱). او در بیشتر موارد کتاب چنین کاری را انجام داده است. پاره‌ای از تعابیر صابونی در پانوشت کتاب که پس از ذکر نام و نشانی منبع آمده، نشان امانت‌داری کامل او در نقل مطلب است. تعابیری مانند «بتصرف» (همان: ۲/۴۳۵، ۴۴۹، ۴۵۳ و ۴۷۹)، «باختصار» (همان: ۴۵۳) و «بشیء من الإیجاز» (همان: ۱۰۱/۱: ۱۰۳). اما همه پانوشتها که نام منبع را یادآور شده، از دقت کامل برخوردار نیست (همان: ۵۷، ۱۰۵ و ۵۹۹: ۱۹۵/۲، ۲۱۷، ۵۰۸، ۵۳۱ و ۵۶۳). توضیحات صابونی در پانوشتها و ارجاع خواننده به منابع تکمیلی، حضور پویای او در گزارشات را خاطر نشان می‌کند.

۸. ارزیابی پایانی

کتاب «روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام» نگاشته آقای «محمدعلی صابونی» یکی از نگاشته‌های مهم و سودمند در زمینه تفاسیر فقهی است که عالمان اهل سنت در روزگار کنونی تدوین نموده‌اند. صابونی در این اثر، انبوهی از اطلاعات و

آگاهیهای معتبر منابع کهن را فراهم آورده و آرای مهم در هر باب را برابر خواننده نهاده و او را از مراجعه به بسیاری از منابع بی نیاز می کند.

او به خوبی مطالب مختلف در منابع را از هم جدا نموده و گزارشی کوتاه و گویا از آنها ارائه می نماید. همچنین در ارجاع مطالب به منابع و مآخذ نیز دقت می کند. گزینش قول برتر که با تکیه بر ادله صورت گرفته، گام دیگر صابونی در این مسیر است که به پرباری کار او افزوده است. او هنگام بررسی مباحث هر باب بحث خود را به گونه ای منظم ذیل ۱۰ عنوان پی می گیرد. این نظم دیده نواز حاکم بر کتاب گویای ذهن منظم او و سبب سهولت دستیابی به مباحث می گردد.

هرچند او دل در شایستگی و ارزشمندی آرای سلف دارد، اما چشم بر وضعیت امروز جامعه بسته و به نوعی آنها را در بررسیهایش مورد توجه قرار داده است. نظرات عالمان معاصر و نیز برخی شبهات نوین و پاسخ آنها را در اثرش منعکس نموده است که سبب رونق افزونتر اثرش شده است. پرهیز از درازنویسی و دوری از به کارگیری واژگان دشواریاب و انتخاب ساختار و قالب مناسب برای جملات از دیگر محسنات قلم صابونی به شمار می آید.

با این همه نمی توان راهیابی برخی کاستیها و وجود نقاط ضعف در این اثر شایسته را نادیده انگاشت. نخستین نارسایی این اثر را می توان در ساختار کتاب نشان داد. هرچند ساختار کتاب مبتکرانه است و مباحث را در قالب محاضره و ارائه آیات مناسب آن بر اساس نظم قرآن پی می گیرد، اما این روش، ناخواسته به تکرار مباحث و گسست آنها از یکدیگر و نیز نپرداختن به عناوین و موضوعات مهم انجامیده است.

نکته دیگر اینکه علی رغم انعکاس آرای مختلف مذاهب (که برخی به تصریح صابونی بسیار سست و نااستوار است) از انبوه آرای مهم و معتبر شیعه نشانی در کتاب نیست و نیز از منابع سرشار روایی که بیانگر گفتار و رفتار راهگشای اهل البیت علیهم السلام جز موارد بسیار اندک استفاده نشده است.

هرچند صابونی در تلخیص مطالب تواناست، اما گاه برخی عنای بی ارتباط با

بحث را به گونه مفصل و خسته کننده بررسی می نماید. ناهماهنگی بعضی عناوین با مطالب مندرج در ذیل آن نیز کاستی دیگر این اثر است. در برخی موارد شاهد تند شدن قلم صابونی و نیز گزینش آرا و یا توجیه برخی مسائل با تکیه بر ادله سست و شاید آمیخته با جانبداری و تعصب مذهبی هستیم که نبود آنها می توانست پرباری کتاب و ارزشمندی افزونتر اثر را به دنبال داشته باشد.

۱۴۲

كتاب شناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند
۲. ایازی، سید محمد علی، المفسرون حیاتهم و متوجههم، بی جا، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۳. خرماهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بی جا، دوستان و ناهید، ۱۳۷۷ ش.
۴. الخن، مصطفی سعید، اباحت حول الفقه الاسلامی، تاریخه و تطوره، بی جا، دار الکلم الطیب، ۱۴۲۰ ق.
۵. همو، اثر الاختلاف فی القواعد الاصولیة فی اختلاف الفقهاء، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۲۴ ق.
۶. صابونی، محمد علی، روائع البیان فی تفسیر آیات الاحکام من القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
۷. صالح، عبدالقادر محمد، التفسیر و المفسرون فی العصر الحدیث، بی جا، دار المعرفه، ۱۴۲۴ ق.

۱۴۴

مجلة تخصصی الهیات و حقوق / زمستان ۱۳۸۷ / شماره ۳۰